

[**احکام قبله** 1](#_Toc501892137)

[**ادامه مطلب دوم (محدوده مکان قبله)** 1](#_Toc501892138)

[**جهت چهارم (مقدار توجه لازم در تحقق استقبال قبله)** 1](#_Toc501892139)

[***نظر مرحوم بروجردی*** 2](#_Toc501892140)

[**شواهد قبله بودن ربع الأرض** 2](#_Toc501892141)

[**شاهد دوم** 2](#_Toc501892142)

[مناقشه 3](#_Toc501892143)

[**شاهد سوم** 5](#_Toc501892144)

[مناقشه 6](#_Toc501892145)

[شاهد چهارم 7](#_Toc501892146)

[مناقشه 7](#_Toc501892147)

[لوازم توسعه در قبله 8](#_Toc501892148)

**موضوع**: محدوده مکان قبله/بررسی نظر مرحوم بروجردی /احکام قبله /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

**احکام قبله**

**ادامه مطلب دوم (محدوده مکان قبله)**

**جهت چهارم (مقدار توجه لازم در تحقق استقبال قبله)**

**بحث راجع به این بود که:** آیا قبله برای بعید عین الکعبه است یا جهت کعبه است؟:

***نظر مرحوم بروجردی***

مرحوم بروجردی فرمودند: قبله برای افراد بعید از مکه جهت جنوب و ربع دایره است که 90 درجه می شود و انسان تمکّن دارد که در این 90 درجه نوسان داشته باشد.

**شواهد قبله بودن ربع الأرض**

**ایشان شواهدی را ذکر کرد؛**

**شاهد اول این بود که در روایات آمده است**: کسی که جاهل به قبله است به چهار سمت (جنوب، شمال، مغرب، مشرق) نماز بخواند که ظاهر در این است که امتثال اجمالی را واجب کرده اند. (فرق امتثال اجمالی و تفصیلی به اجمال و تفصیل است یعنی اگر مکلّف می دانست که قبله جهت جنوب است تنها به سمت جنوب نماز می خواند و همین مجزی بود و حال که جاهل به جهت قبله است می گویند به چهار سمت نماز بخواند؛ که از این کشف می شود در حال تمکّن از معرفت قبله و در حال علم به قبله کافی است که به جهت جنوب نماز بخواند.

**شاهد دوم**

در روایات تعبیر کرده اند: «ما بین المشرق و المغرب قبلة»؛ مثل صحیحه زراره: «وَ عَنْهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا صَلَاةَ إِلَّا إِلَى الْقِبْلَةِ- قَالَ قُلْتُ: أَيْنَ حَدُّ الْقِبْلَةِ- قَالَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ قِبْلَةٌ كُلُّهُ- قَالَ قُلْتُ: فَمَنْ صَلَّى لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ- أَوْ فِي يَوْمِ غَيْمٍ فِي غَيْرِ الْوَقْتِ قَالَ يُعِيدُ.»[[1]](#footnote-1)

ایشان فرموده است مراد از «ما بین المشرق و المغرب قبلة»، جهت جنوب است.

**ایشان در بیان معنای روایت، وجه فلکی ذکر کرد که؛** در برج جدی که اول زمستان است، خورشید در هنگام طلوع به جنوبی ترین نقطه خود می رسد و در هنگام غروب هم به جنوبی ترین نقطه غروب می رسد و فاصله بین این دو نقطه 90 درجه است. البته در اول تابستان هم فاصله میان اوج طلوع آفتاب در شمال با اوج نقطه غروب آفتاب در شمال، به همین مقدار است و فرق نمی کند.

**ما عرض کردیم این وجه ناتمام است**: زیرا فاصله بین دو نقطه، 132 یا 133 درجه است.

**ولی مرحوم بروجردی می توانست وجهی عرفی به نفع خود ذکر کند که:**

«ما بین المشرق و المغرب» به معنای «ما بین جهة المشرق و جهة المغرب» است؛ جهت مشرق و جهت مغرب هر کدام 90 درجه و ربع الأرض اند که بین این دو جهت، جهت جنوب قرار گرفته است که این هم 90 درجه است.

و مرحوم داماد همین احتمال را در مورد تعبیر«ما بین المشرق و المغرب قبلة» داده است که مراد این است که جهت جنوب قبله است. البته مرحوم داماد فرموده اند؛ این توسعه برای جاهل است ولی مرحوم بروجردی فرموده اند این توسعه در حال عمد هم وجود دارد.

##### مناقشه

**به نظر ما این توجیه صحیح نیست؛**

أولاً: عرف مشرق را جهت و فضای 90 درجه نمی داند، بلکه خط مستقیم از طرف راست و چپ، یعنی یمین و یسار، می داند و ظاهر «ما بین المشرق و المغرب قبلة» این است. (در بلاد ما وقتی رو به کعبه می ایستیم خطی که از طرف راست کشیده می شود به طرف مغرب است و خطی که از طرف چپ کشیده می شود به طرف مشرق است.)

به تعبیری دیگر ظاهر«ما بین المشرق و المغرب قبلة» این است که اگر دایره ای فرض شود که با دو خط چهار قسمت شود و مکلف هم مرکز تقاطع این دو خط باشد و نیم خطی که به طرف جنوب می رود سمت قبله باشد؛ در این صورت دو نیم خطی که به طرف راست و چپ قرار دارند، مشرق و مغرب می شوند و خود یمین و یسار، مشرق و مغرب مکلف می شوند نه این که فضای نود درجه مشرق و مغرب شود.

**ثانیاً:** در روایت صحیحه معاویة بن عمار چنین آمده است: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ أَنَّهُ سَأَلَ الصَّادِقَ ع عَنِ الرَّجُلِ يَقُومُ فِي الصَّلَاةِ- ثُمَّ يَنْظُرُ بَعْدَ مَا فَرَغَ- فَيَرَى أَنَّهُ قَدِ انْحَرَفَ عَنِ الْقِبْلَةِ يَمِيناً أَوْ شِمَالًا- فَقَالَ لَهُ قَدْ مَضَتْ صَلَاتُهُ- وَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ قِبْلَةٌ.[[2]](#footnote-2)

ظاهر روایت این است که انحراف به طرف راست و انحراف به طرف چپ مضر نیست یعنی انحراف از قبله تا 90 درجه به سمت راست یا 90 درجه به سمت چپ مضرّ نیست. البته فرض این صحیحه نسیان یا جهل است. نه این که مراد جهت جنوب باشد که تنها به اندازه 45 درجه می تواند از قبله انحراف داشته باشد. ظاهر «ما بین المشرق و المغرب» این است که اگر کمتر از 90 درجه از راست یا کمتر از 90 درجه از چپ، از قبله انحراف داشته باشی اشکالی ندارد: یعنی اگر قبله در این 180 درجه باشد نماز صحیح است.

حتّی در موثقه عمار، این حکم را شامل أثنای نماز هم دانسته است؛ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِي رَجُلٍ صَلَّى عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ- فَيَعْلَمُ وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ- قَالَ إِنْ كَانَ مُتَوَجِّهاً فِيمَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ- فَلْيُحَوِّلْ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ سَاعَةَ يَعْلَمُ- وَ إِنْ كَانَ مُتَوَجِّهاً إِلَى دُبُرِ الْقِبْلَةِ فَلْيَقْطَعِ الصَّلَاةَ- ثُمَّ يُحَوِّلُ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ ثُمَّ يَفْتَتِحُ الصَّلَاةَ.[[3]](#footnote-3)

این روایت دلالت دارد که «ما بین المشرق و المغرب» قبله اختیاری نیست لذا می فرماید وقتی فهمید که بین مشرق و مغرب است و رو به قبله نیست وجه خود را به سمت قبله کند.

**مرحوم بروجردی فرموده اند**:

این روایت همان نقطه مشرق و نقطه مغرب را می گوید که هر کدام 90 درجه با قبله اختلاف دارند؛ و لذا می گوییم در حال جهل و نسیان اگر اختلاف از قبله تا نزدیک 90 درجه باشد و به 90 درجه عرفاً نرسد و عرفاً صلّی ما بین المشرق و المغرب صدق کند (و صلی إلی المشرق نشود)، نماز صحیح است. ولی این روایت دلیل نمی شود که صحیحه زراره را حمل بر جاهل و ناسی کنیم زیرا در صحیحه زراره از امام علیه السلام حدّ قبله را سؤال می کند و امام علیه السلام هم «ما بین المشرق و المغرب» را قبله معرفی می کند و وجهی ندارد که صحیحه را مقیّد کنیم. و اطلاق صحیحه زراره می گوید بین جهت مشرق و جهت مغرب، که جهت جنوب قرار دارد قبله است مطلقاً چه برای ناسی و جاهل و چه برای عامد.

**در جواب می گوییم؛**

**أولاً:** «ما بین المشرق و المغرب» در طرف راست و چپ مکلّف ظهور دارد و خلاف ظاهر است که مشرق و مغرب را به جهت مشرق و جهت مغرب معنا کنیم. و لذا باید صحیحه زراره را بر ناسی و جاهل حمل کنیم.

ثانیاً: خلاف ظهور سیاقی روایات است که عبارت «ما بین المشرق و المغرب» که در دو روایت یکسان است، در دو معنا به کار برده شود با این که در صحیحه زراره قرینه ای نبود که معنا را تغییر دهد.

لذا این عبارت در هر دو روایت به یک معنا می باشد و ظاهر این عبارت هم طرف راست و چپ است و نهایت این است که اطلاق صحیحه زراره شامل فرض اختیار می شود که هم مقیّد دارد (که موثقه عمار بود) و هم ارتکاز متشرّعی این است که انسان باید سمت قبله بایستد و این ارتکاز موجب تقیید اطلاق می شود.

به هر حال به نظر ما: خلاف ظاهر است که مراد از «ما بین المشرق و المغرب» جهت باشد که تا 45 درجه بتوانیم از قبله انحراف داشته باشیم. علاوه بر این که خلاف مرتکز متشرعه است و متشرعه نسبت به قبله بودن این مقدار استنکار و اعتراض دارند.

تذکّر: ما بین المشرق و المغرب برای ما است و برای شهرهای دیگر باید بر اساس خودشان حساب کنیم.

به نظر ما: «ما بین المشرق و المغرب قبله» در صحیحه زراره رکن را می گوید نه آنچه در هنگام جهل و نسیان مغتفر است و لذا در ذیل می گوید اگر کسی در روز ابری، نماز خواند و بعد فهمید که بیش از این حد بوده است باید نماز را اعاده کند؛ یعنی رکن مختل شده است و رکن این است که از یمین و یسار انحراف نداشته باشیم. اگر این را هم نگوییم موثقه عمار، مقیّد این صحیحه است.

**شاهد سوم**

**در روایات گفته اند**: اهل عراق جدی را خلف خود قرار می دهند. (جدی ستاره قطبی است که در شمال است): اگر استدبار به ستاره جدی کنید رو به جنوب قرار می گیرد و در روایت همین را در استقبال قبله کافی دانست و حضرت نفرمود به گونه ای خود را تنظیم کن که دقیق روبروی کعبه باشی؛

1-روایت شیخ طوسی به اسنادش از طاطری (که ما تصحیح کردیم و گفتیم نیازی به سند ندارد زیرا کتاب طاطری معروف بوده است)؛ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الطَّاطَرِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقِبْلَةِ فَقَالَ ضَعِ الْجَدْيَ فِي قَفَاكَ وَ صَلِّ.[[4]](#footnote-4)

محمد بن مسلم ساکن کوفه بود. کوفه (و نیز نجف و کربلا و بغداد) از مناطق متوسط عراق است و قبله آن با مناطق شمال و جنوب عراق متفاوت است. لذا امام علیه السلام قبله را برای محمد بن مسلم این گونه معین کرد که: ستاره جدی را که محور شمال است پشت خودت قرار بده و نماز بخوان؛ یعنی اگر به شمال پشت کنی و رو به جنوب باشی، استقبال قبله صدق می کند. و محمد بن مسلم هم خصوصیت ندارد و امام علیه السلام به نحو قضیه حقیقیه فرمود.

**نکته:** ادّعا است که ستاره جدی بر اساس حرکت انتقالی زمین نوسان دارد و این طور نیست که همیشه پشت انسان قرار بگیرد: که باعث می شود دقّت این ستاره در جهت یابی قبله کم شود.

2-مرسله صدوق چنین دارد؛ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِلصَّادِقِ ع إِنِّي أَكُونُ فِي السَّفَرِ- وَ لَا أَهْتَدِي إِلَى الْقِبْلَةِ بِاللَّيْلِ- فَقَالَ أَ تَعْرِفُ الْكَوْكَبَ الَّذِي يُقَالُ لَهُ الْجَدْيُ- قُلْتُ نَعَمْ قَالَ اجْعَلْهُ عَلَى يَمِينِكَ- وَ إِذَا كُنْتَ فِي طَرِيقِ الْحَجِّ فَاجْعَلْهُ بَيْنَ كَتِفَيْكَ.[[5]](#footnote-5)

**أولاً:** وقتی سائل سؤال کرد حضرت فرمود: «اجعل الجدی علی یمینک» و در حجّ «اجعل الجدی بین کتفیک»؛ در حالی که در روایت قبل فرمود: «اجعل الجدی فی قفاک»؛ و این اختلاف به این خاطر است که در مورد أهل عراق تیاسر مستحب است و روایاتی راجع به استحباب تیاسر بر مردم عراق وارد شده است.

وقتی تیاسر کنیم قفا، یعنی بین المنکبین، سمت جدی می شود و اگر تیاسر نکنیم، جدی خلف منکب أیمن قرار می گیرد. یعنی کافی است که جدی خلف منکب أیمن باشد ولی مستحب است که کمی به سمت چپ منحرف شویم که جدی خلف ما بین المنکبین، قرار بگیرد.

خود این نشان می دهد که قبله دقیق نیست وگرنه نباید این مقدار تسامح کنند که ستاره جدی را پشت سرت قرار بده یعنی رو به جنوب بایست، در حالی که قبله دقیقاً سمت جنوب نیست بلکه 21 درجه و نیم از جنوب به سمت شمال انحراف دارد.

**ثانیاً:** در روایت سائل می گوید: «و لا أهتدی إلی القبله باللیل» یعنی روز مشکل ندارد؛ و این که روز مشکل نداشته است یعنی با خورشید تنظیم می کرده است و تنظیم قبله با خورشید أصلاً دقیق نیست زیرا بستگی دارد زمستان باشد یا تابستان باشد و مختلف است. بله جهت مغرب مشخص می شود ولی قبله حقیقی مشخص نمی شود.

##### مناقشه

**اولاً:** فرمایش ایشان در استدلال به این روایات برای این که تدقیق در تشخیص قبله لازم نیست، قابل توجّه است؛ ولی اگر قبله را تشخیص دادیم آیا در این صورت هم می توان تسامح کرد و این فرض را هم روایت شامل می شود که «اجعل الجدی فی قفاک»؟! و بگوییم این قدر در اسلام سخت گیری نکرده اند؟! برای تشخیص سخت گیری نکرده اند ولی به چه دلیل برای بعد از تشخیص هم سخت گیری نکرده اند؟؛ بعد از تشخیص تا جایی که عرف اغماض نکند نمی توانیم از سمت قبله منحرف شویم. البته عرف تا دو سه درجه انحراف را مضر به استقبال قبله نمی داند ولی بیش از این مقدار، بعد از تشخیص، نمی توان از قبله منحرف شد زیرا عرف استقبال قبله را صادق نمی بیند.

**ثانیاً:** تشخیص قبله در زمان قدیم دقیق نبوده است زیرا:

یا با خورشید و ستاره جدی بوده است که دقیق نیست. و یا با قطب‌نما بوده است که هر مسلمانی همراه خودش قطب نما نداشت علاوه بر این که قطب نما هم دقیق نیست. و یا با اذان ظهر مکه بوده است (که در دو روز از ایام سال عمود بر کعبه است)؛ که کمتر کسی پیدا می شود که زمان اذان ظهر مکه را بداند، و الآن با تحقیقی که روی اوقات شده است، زمان اذان مکه را می دانیم؛

با توجّه به این مطلب می گوییم: برای زمانی که این امکانات نبوده است شارع این مقدار تسهیل قرار داده است ولی الآن که با سهولت و بدون حرج می توان قبله را تشخیص داد، آیا در این فرض هم تشخیص لازم نیست؟ هذا أول الکلام. لذا این شاهد هم تمام نیست.

#### شاهد چهارم

آخرین شاهد هم که ایشان ذکر کرده است: روایت بنی عبد الأشهل است؛ که در وسط نماز در مسجد ذو قبلتین به طرف مسجد الحرام منحرف شدند.

##### مناقشه

این را هم قبلاً جواب دادیم که تنها دلالت می کند که تشخیص دقیق قبله برای آنها لازم نیست علاوه بر این که این ها نمی توانستند دقیقاً قبله را تشخیص دهند مگر به اعجاز. لذا به نظر عرفی نگاه می کردند. و این موجب تعدّی به زمان ما نمی شود و حداقل شامل زمانی که قبله را تشخیص داده ایم نمی شود.

بله استقبال قبله باید به نظر دقّی باشد ولی نظر دقّی عرفی یک مقدار موسّع است.

### لوازم توسعه در قبله

**لازمه ی فرمایش مرحوم بروجردی (که ایشان بعید نیست ملتزم باشد) این است که:**

بعضی موارد مثل نماز و ذبح ذبیحه، کار آسان می شود و مشکل نیویورک حل می شود زیرا اختلاف بین خط متمایل به سمت جنوب و خط متمایل به سمت شمال 45 درجه نیست و در لس آنجلس هم ولو اختلاف 90 درجه است ولی در وسط می ایستد که یا قبله متمایل به جنوب باشد که قدیم به این سمت نماز می خواندند یا قبله متمایل به شمال باشد که الآن به این سمت نماز می خوانند؛ در هر صورت اگر وسط بایستد هر کدام سمت قبله باشد مشکلی ندارد. (البته اگر ایشان خود 45 درجه را قبول نکند اگر کسی وسط بایستد مشکل حل نمی شود.)

ولی فرمایش ایشان در مثل استقبال قبله که در حال تخلّی حرام است مشکل ساز است؛ زیرا انحراف خیلی از این دستشویی ها کمتر از 45 درجه است. حال مرحوم خویی تا 26 انحراف از کعبه را قبله می دانستند که مقدار کمتری است و معمولاً این مقدار را مراعات می کنند ولی طبق فرمایش مرحوم بروجردی باید به لحاظ استقبال 90 درجه و و به لحاظ استدبار هم 90 درجه را مراعات کند و به گونه ای تخلّی را انجام دهد که در این 180 درجه قرار نگیرد.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص312، أبواب القبله، باب9، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/312/لغیر) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص314، أبواب القبله، باب10، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/314/قد%20مضت) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص315، أبواب القبله، باب10، ح4، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/315/یحول) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص306، أبواب القبله، باب5، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/306/ضع) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص306، أبواب القبله، باب5، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/306/اهتدی) [↑](#footnote-ref-5)